

بررسی اثرپذیری داستان عامیانه‌ی کوراولو از آثار نظامی گنجوی با تکیه بر «هفت پیکر»

و «خسرو و شیرین»

چکیده

نظامی گنجوی، از بزرگ‌ترین شاعران اثرگذار و صاحب‌سبک در داستان‌سرایی ادب فارسی، با آفرینش آثاری همچون *خسرو و شیرین* و *هفت پیکر* مضامینی مانند خیر و شر، عشق و وفاداری را در ادبیات فارسی جاودانه کرده است. این مضامین در بسیاری از آثار ادبی پس از او بازتاب یافته‌اند؛ از جمله در داستان عامیانه‌ی *کوراولو*. این پژوهش به شیوه‌ی مطالعه‌ی تطبیقی و مکتب ادبیات تطبیقی فرانسوی، انجام شده است. تفاوت زبانی و مناسبت تاریخی در این شیوه‌ی پژوهش تعیین‌کننده بوده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شروع داستان *کوراولو* با مضمون خیر و شر، به‌ویژه در ماجرای کور شدن علی‌کیشی توسط حسن پاشا، به‌گونه‌ای مستقیم از گنبد ششم *هفت پیکر الهام* گرفته شده است. به‌علاوه، نژاد اسبان در *کوراولو* که از دریاها می‌آیند، با نژاد اسب شب‌دیز در *خسرو و شیرین* همگونی‌های اساطیری دارند و آفرینش هر دو ریشه‌ی کهن ایرانی دارند و رفتارها و ظاهر اسبان (قیرآت و دورآت) در داستان *کوراولو* نیز با شب‌دیز و گلگون همانندی قابل‌توجه دارند. عنصر خواب نیز در هر دو اثر به‌عنوان پیشگو و راهنما به‌کاررفته است. این پژوهش نشان می‌دهد که داستان‌های *کوراولو* در مضامین بنیادین خود، همچون خیر و شر، تقدس اعداد، سفر و چشمه‌ی زندگی‌بخش به‌گونه‌ی مستقیم و غیرمستقیم تحت‌تأثیر آثار نظامی بوده‌اند.

واژه‌های کلیدی: *کوراولو*، نظامی، *خسرو و شیرین*، *هفت پیکر*، پنج‌گنج.

۱. مقدمه

نظامی گنجه‌ای شاعر بزرگ غنایی‌سرای ایران در قرن ششم هجری با خلق پنج اثر برجسته نه تنها در ادبیات فارسی بلکه در ادبیات جهان، نامی ماندگار از خود باقی گذاشته است. «ژول مول» بر این باور است که داستان‌سرایی پس از فردوسی فرومی‌پاشد و نخستین کسی که این شیوه را دوباره احیا می‌کند، نظامی گنجوی است» (آذر، ۱۳۸۷: ۴۳۸). پنج‌گنج او از چنان شهرتی برخوردار است که پس از وی صدها سراینده به تقلید از آن برخاسته‌اند و بدین ترتیب بابت تازه در آفرینش ادبیات داستانی به شعر گشوده شده است (امامی، ۱۴۰۰: ۲۵). وی از

جمله شاعرانی است که مانند فردوسی و سعدی توانسته سبک و روش خاص خود را به وجود آورد تا آنجا که دامنه‌ی تأثیرگذاری وی تا ادب معاصر گسترش یافته‌است. وی در انتخاب الفاظ و کلمات مناسب، ایجاد ترکیبات تازه و ابداع معانی و مضامین نو و دلپذیر و در تصویر جزئیات با نیروی تخیل و دقت در وصف مناظر، توصیف طبیعت و اشخاص و به‌کاربردن تشبیهات و استعارات نو و مطبوع، از جمله کسانی است که پس از او نظیری نیافته‌است (صفا، ۱۳۶۷: ج ۲، ۸۰۹). وی اگرچه بیشتر به داستان‌های عاشقانه پرداخته، اما شاعری حکیم و آشنا با فرهنگ و تاریخ ایران است که در پسِ قصه‌هایش نکات ژرفی نهفته دارد و از خوانندگان خواسته رازهای شعرش را کشف کنند.

در ادبیات کلاسیک فارسی، مضامین مشترک و تأثیرات متقابل میان آثار نقش برجسته‌ای در تکوین داستان‌ها و شکل‌گیری روایت‌ها دارند. نظامی گنجوی، با خلق شاهکارهایی چون *هفت‌پیکر* و *خسرو و شیرین* مضامین عمیقی مانند خیر و شر، عشق و وفاداری را به ادبیات فارسی وارد کرده که به‌طور گسترده در آثار بعدی از آن تقلید و الهام گرفته شده‌است. «منظومه‌های نظامی گنجوی بر ادبیات آذربایجان و ادبیات ترکی نیز تأثیر انکارناپذیر داشته است» (محمدزاده صدیق، دوزگون: drsadigh.ir). یکی از این آثار که به‌نظر می‌رسد از نظامی تأثیرپذیرفته، داستان عامیانه‌ی *کوراوغلو* است. نقطه‌ی آغاز داستان *کوراوغلو*، کور شدن علی‌کیشی به دست حسن پاشا، برگرفته از مضمون خیر و شر در *هفت‌پیکر* نظامی است. در *کوراوغلو* این مضمون بنیاد اصلی داستان را شکل داده و مسیر روایت را مشخص می‌کند. این داستان، شرح زندگی و قیام *کوراوغلو*، قهرمان حماسی آذربایجان است که با شورش علیه نظام فئودالیسم و ستم اربابان در دل تاریخ ماندگار شد. *کوراوغلو* که به معنای «پسر مرد کور» است، نامی است که روشن، پسر مهتر سالخورده‌ای به نام علی‌کیشی، پس از کور شدن پدرش توسط ارباب ظالم، حسن‌خان، برای خود انتخاب کرد. علی‌کیشی پس‌ازاین واقعه به همراه پسرش روشن و دو کره‌اسب افسانه‌ای به نام‌های «قیرآت» و «دورآت»، از قلمرو خان می‌گریزند و به منطقه‌ای کوهستانی به نام «چنلی‌بئل» پناه می‌برند. در این مکان صعب‌العبور، روشن با تربیت دو اسب تیزپا و پرورش روح هنری خود، به مبارزه با ظلم و ستم اربابان می‌پردازد. با هدایت پدرش، علی‌کیشی که برای او شمشیری از یک سنگ آسمانی ساخته‌بود، *کوراوغلو* رهبر قیامی مردمی علیه فئودال‌ها می‌شود. پس از مرگ علی‌کیشی، *کوراوغلو* با همراهی اسب‌های بادپای

خود و یارانش، از جمله عاشق جنون، عیوض، دمیرچی اوغلو، بللی احمد و زنانی از دختران پاشاها همچون نگار خانم، محبوب خانم، شیرین خانم، قاراباش و... به جنگ با ستمگران می‌پردازد و نماد مقاومت و عدالت در میان مردم آذربایجان می‌شود. او در نهایت موفق می‌شود حسن‌خان، ارباب ستمگر را به چنلی‌بئل بیاورد و با بستن او به آخور، انتقام پدرش را بگیرد. کور اوغلو با تبلیغ افکار آزادی‌خواهانه‌اش، الهام‌بخش شورشیان و ستم‌دیدگان شد و نامش به‌عنوان قهرمانی دلاور در تاریخ و ادبیات آذربایجان جاودانه شد.

این پژوهش به بررسی همگونی مضامین داستانی نظامی، به‌ویژه در خسرو و شیرین و هفت‌پیکر، در تکوین و شکل‌گیری داستان کور اوغلو می‌پردازد. هدف این تحقیق، شناسایی و تحلیل مضامین مشترک در هر دو اثر و بررسی نقش کلیدی آن‌ها در شکل‌دهی به جنبه‌های افسانه‌ای و حماسی داستان کور اوغلو است.

۲.۱. پیشینه‌ی پژوهش

تاکنون پژوهش‌های متعددی درباره‌ی آثار نظامی گنجوی و داستان عامیانه‌ی کور اوغلو انجام شده‌است، اما هیچ مطالعه‌ی تطبیقی جامعی به بررسی ارتباط مستقیم بین کور اوغلو و آثار نظامی گنجوی، به‌ویژه هفت‌پیکر و خسرو و شیرین، انجام نشده‌است. طهماسب (۱۳۸۷) داستان کور اوغلو را به زبان اصلی گردآوری و ترجمه کرده‌است که ارزش قابل‌توجهی در شناخت این روایت عامیانه دارد. رسمی و رسمی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای به «بررسی تطبیقی پیوند عشق و حماسه در شاهنامه‌ی فردوسی و کور اوغلو» پرداخته‌اند. بهرنگی (۱۳۴۸) در کتاب مقاله‌ها به ادبیات و فولکلور آذربایجان و جنبه‌هایی از داستان کور اوغلو پرداخته‌است. اسماعیلی و خجسته (۱۴۰۰) در مقاله‌ی خود به «بررسی مؤلفه‌های ادبیات عامیانه در حکایت‌های هفت‌پیکر» پرداخته‌اند. رئیس‌نیا (۱۳۶۸) در کتاب کور اوغلو در افسانه و تاریخ پیرامون شکل‌گیری داستان کور اوغلو و روایت‌های گوناگون از آن بحث کرده‌است و بیدمشکی (۱۳۹۱) در کتاب رمزپردازی و نشانه‌شناسی افسانه‌های هفت‌پیکر نظامی به رمزپردازی نمادهای موجود در این اثر پرداخته‌است. هاشمی و جعفری (۱۳۹۰) در مقاله‌ی خود به تحلیل «نمادها و کهن‌الگوها در بخشی از خسرو و شیرین» پرداخته‌اند. باتوجه‌به این پیشینه‌ی پژوهشی، بررسی تطبیقی کور اوغلو با آثار نظامی گنجوی موضوعی نو در حوزه‌ی ادبیات عامیانه و کلاسیک فارسی است که تاکنون مطالعه نشده‌است و می‌تواند خلأ موجود در

مطالعات تطبیقی ادبی را پرکرده و به درک عمیق‌تری از تعاملات فرهنگی و ادبی میان این دو مجموعه‌ی ادبی دست‌یابد.

روش پژوهش

باتوجه به این‌که نظامی گنجوی پارسی‌زبان است و منظومه‌هایش به فارسی سروده‌شده و از سوی دیگر داستان کور/وغللو به زبان ترکی آذری سروده شده‌است، این پژوهش در ادبیات تطبیقی تعریف می‌شود. کار پژوهشگر در ادبیات تطبیقی یافتن ارتباطات پیچیده و گوناگون ادبیات در گذشته و حال و بیان این نکته است که پیوندهای تاریخی چه نقشی از جهت اصول فنی و جریان‌های فکری در تأثیر و تأثرات فرهنگی و ادبی ملت‌ها از یکدیگر داشته‌اند (غنیمی هلال، ۱۹۸۷: ۴۷). قاسم‌نژاد پیدایش مشابهت‌های ادبی زاینده‌ی تأثیر و اثر فرهنگی و ادبی ملت‌ها را ادبیات تطبیقی می‌داند (قاسم‌نژاد، ۱۳۷۶: ۴۱). تاریخ‌گرایی از مهم‌ترین اصول در مکتب ادبیات تطبیقی فرانسوی است. اثرگذاری و اثرپذیری از دیگر اصول این مکتب است. تفاوت در زبان و وجود رابطه‌ی تاریخی و فرهنگی و داشتن مرزهای جغرافیایی میان دو ادبیات نقش تعیین‌کننده دارد. در این مکتب تنها زبان است که شخصیت یک ادبیات را با شخصیت ادبیات دیگر قابل‌مقایسه می‌کند، بنابراین ادبیات تطبیقی فقط در دو حوزه‌ی زبان متفاوت امکان دارد (محسنی‌نیا، ۱۳۹۳: ۹۷-۹۸). با در نظر گرفتن تأثیرگذاری و جریان‌سازی نظامی در فرهنگ و ادبیات ایران و پیوند تاریخی وی با منطقه‌ی آذربایجان تا این روزگار و تفاوت زبانی، مطالعه‌ی تطبیقی ما در حقیقت برپایه‌ی مکتب تطبیقی ادبی فرانسوی است و فرض بر تأثیرپذیری منظومه‌ی عامیانه‌ی کور/وغللو از حکیم نظامی است.

۲. بحث و بررسی: مضامین مشترک داستان عامیانه‌ی کور/وغللو با آثار نظامی

۲.۱. مضمون خیر و شر

یکی از مضامین مشترک داستان کور/وغللو و داستان‌های نظامی، به‌ویژه در هفت‌پیکر، مضمون خیر و شر است. در هر دو اثر، این دو نیروی متضاد در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند و شخصیت‌های نماینده‌ی این دو نیرو به شکل نمادین بازتاب می‌یابند. در دو داستان، شخصیت‌های خیر در نهایت به پیروزی می‌رسند و شخصیت‌های شر با شکست و نابودی مواجه می‌شوند.